

فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره شایه: 1735-739X

دوره ۱۲، شماره ۱ (پیاپی ۶۳)، پاییز ۹۹

الهیات سیاسی شیعه و تأثیر سیاسی و اجتماعی مفهوم انتظار قدرت غیبت

طیبه محمدی کیا*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۸

تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۶/۰۱

چکیده

قدرت چهره‌های آشکار و نهان متفاوتی دارد. در این میان مطالعه چهره پیدای قدرت از اقبال بیشتری برخوردار است و عموماً در علم سیاست مطالعه این چهره از قدرت دنبال می‌شود، اما برای شناخت منطق عمل سیاسی جوامع مطالعه چهره پنهان قدرت می‌تواند بسیار کارآمد ظاهر گردد. نوشتار پیش روی می‌کوشد قدرت پنهان را در نگرش شیعی مورد واکاوی قرار دهد و قدرت نهفته در باور آخرالزمانی اندیشه سیاسی شیعی را تجزیه و تحلیل نماید. این مهم ذیل مطالعه قدرت پنهانی محقق می‌گردد که به تحرک و کنش سیاسی آشکار منتهی می‌شود. واکاوی حرکت این سنخ از قدرت از ذهن/باور به کردار روزمره و کنش سیاسی تلاشی است که ذیل مطالعه قدرت غیبت در این نوشتار به انجام می‌رسد. قدرت غیبت مترادف با دولتی ذهنی در درون اعضای یک جامعه مؤمنانه است که به مثابه شکل آرمانی زمامداری متصور می‌گردد. هم از این روی می‌توان از آن تعبیر به دولت انتظار نمود. کوشش ما تحلیل تاثیرهای قدرت باور به امام معصوم غایب به مثابه حاکم مشروع از یک سوی بر ذهنیت سیاسی و از سوی دیگر بر کنش‌های سیاسی جامعه شیعی است. این نوشتار ضمن بهره‌گیری از روش‌شناسی پدیدارشناسی و روش کتابخانه‌ای به نگارش درآمده است.

واژگان کلیدی: غیبت، انتظار، قدرت، تشیع.

صفحات: ۱۷۲-۱۵۳

* دانش آموخته

دکتری دانشگاه

علامه طباطبائی،

پژوهشگر و مدرس

دانشگاه

t.mohamma-
dikia@gmail.
com

مقدمه

زمانیکه از قدرت غیبت می‌گوییم دقیقاً از چه چیزی سخن می‌گوییم؟ قدرت غیبت قدرتی نهان است که به شکل ظاهری در جامعه حاضر نیست و باید آن را در لابلای باورها و کنش‌ها و جنبش‌های یک جامعه منتظر رصد نمود. انتظار فرج و قیام در اندیشه شیعی پس از عهد صادقین معنای موعود یافت و قائم به مثابه امری منتظر فهم گردید^۱ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۵۳۶). در امتداد این باور اعتقادی و ایمان قلبی قدرت سترگی پرورش یافت که به مثابه انباشت قدرت برای جهان مطلوب آینده قابل شناسایی است. قدرت غیبت قدرت منتشر در باور و ذهنیتی است که نزدیک به هزار و نیم سال بخش بزرگی از جهان را سامان بخشیده است. قدرت غیبت علاوه بر وجه سیاسی و اجتماعی دارای وجهی اعتقادی است. انتظار در کنار امامت در شمار باورهای دینی قرار دارد (اقبال آشتیانی، ۱۳۴۵: ۱۲۰ و Amir Arjomand, 2016: 88). با آغاز غیبت کبری جامعه ناگزیر از پذیرش سامانی ویژه گردید که در شرایط عدم حضور و ظهور امام به مسیر خود به عنوان یک جامعه اسلامی ادامه دهد.

غیبت قدرتی توامان از امید به فرجام نیک و بیم از بودن یا نبودن در مسیر صحیح را در خود دارد. این دو وجه پویایی ویژه‌ای را در دل جامعه می‌دمد که علاوه بر نگرش غایت مدارانه آن را در شرایط انفعال/فعال توامان قرار می‌دهد. شرایط کنشی که آن را به انجام رفتارهایی متفاوت از دیگر جوامع وامی‌دارد. چه آن‌که هر کنشی می‌تواند به مثابه گامی به سوی نزدیک‌تر شدن به امام و یا بالعکس تفسیر شود. تفسیر کنش‌ها توسط متولیان آن‌ها

۱. «عن الحکم بن ابی نعیم قال: اتیت ابا جعفر (ع) و هو بالمدينه، فقلت له: علی نذر بین الرکن و المقام ان انا لقبیک ان لا اخرج من المدينه حتى اعلم آنک قائم آل محمد ام لا، فلم یجبنی بشیء، فاقمت ثلاثین یوما، ثم استقبلنی فی طریق فقال: یا حکم! و آنک لهیننا بعد، فقلت نعم: انی اخبرتک بما جعلت لله علی، فلم تامرنی و لم تنهنی عن شیء و لم تجبنی بشیء؟ فقال بکبر علی غدوه المنزل، فغدوت علیه فقال (ع): سل عن حاجتک. فقلت: انی جعلت لله علی نذرا و صیاما و صدقه بین الرکن و المقام ان انا لقبیک ان لا اخرج من المدينه حتى اعلم آنک قائم آل محمد ام لا، فان کنت انت رابطتک و ان لم تکن انت سرت فی الارض فطیت المعاش، فقال یا حکم: کلنا قائم بامر الله، قلت: فانت المهدي؟ قال کلنا نهدي الی الله، قلت فانت صاحب السیف؟ قال: کلنا صاحب السیف و وارث السیف، قلت: فانت الذی تقتل اعداء الله و يعز بک اولیاء الله و یظهر بک دین الله؟ فقال: یا حکم! کیف اکون انا و قد بلغت خمساً و اربعین (سنه)؟! و ان صاحب هذا الامر اقرب عهدا باللبین منی و اخف علی ظهر الداباه.»

انجام می‌گیرد. این متولیان عالمان دین و فقیهان اند که میراث دار پیامبر و امامان دانسته شده‌اند. ایشان در شرایط غیبت سکان دار جامعه اسلامی‌اند. این وظیفه به لحاظ تاریخی با افت و خیزهایی چند همراه بوده، اما عموماً عالمان شیعه جان‌پناه توده مردم شناخته شده‌اند و نشستن ایشان بر سریر زمامداری از جمله اتفاق‌های نو در جهان شیعه است که بدون تجربه پیشین محقق شده است. قدرت غیبت امکان تفسیرهای متفاوت و گاه متناقض را به متولیان تفسیر می‌بخشد.

این تفسیرها می‌تواند از تعطیل تا برقراری حکومت را در بر گیرد. تفسیر قدرت غیبت در ارتباط با قدرت سیاسی سبکی از دولت را ارائه می‌نماید که می‌توان آن را دولت انتظار نامید. دولتی که چشم به راه تشکیل دولت حقیقی به سردمداری امام است. بنابراین در این مقاله ما قدرت غیبت و دولت انتظار را به مثابه امر ذهنی پویا غایب/ حاضر مورد مطالعه قرار خواهیم داد. نوشتار در بردارنده فرازهای روش‌شناسی پدیدارشناسانه، غیبت و امر اجتماعی، باور و ایمان و قدرت غیبت، هویت و قدرت غیبت، پدیدار سیاسی انتظار، دادگری، جامعه آرمانی مصلح و نتیجه‌گیری و مرور مباحث است.

روش‌شناسی پدیدارشناسانه

تبار پدیدارشناسی را باید در مطالعه حدود و ثغور آگاهی به مثابه تجربه در آثار کانت و مطالعه آگاهی به مثابه تجربه تحول‌یابنده در تاریخ و صیوریت روح (Geist) در اندیشه هگل و یا واکاوی آگاهی از دهلیز تجربه خالص بر اساس اجازه دادن به تجربه برای برملا گردیدن و ظاهر نمودن خود سراغ گرفت. عموماً پدیدارشناسی را دنباله رویکرد تفهیم و تفسیر و بر و روش هرمنوتیک دانسته‌اند. امکان به کار بستن این روش در مطالعه ذهنیت اجتماعی و ارتباط آن با قدرت ضمن آویختن به رویکرد ادموند هوسرل^۱ که پدیدارشناسی را وارد مطالعه معرفت‌شناسانه نمود مقدور می‌گردد. در پدیدارشناسی، تاملات از قلمرو انتزاع به سپهر تجربه زندگی معطوف می‌گردد. این همان تفسیر پدیدارها است؛

1. Edmund Husserl (1859-1938)

به عبارت دیگر ما، در بذل چنین تاملی، باید آماده شنیدن باشیم تا پدیدارها حقیقت خود را پیش رویمان نمایان سازند (منوچهری، ۱۳۸۷: ۶۰). پدیدارشناسی روشی مناسب برای بررسی نحوه برهمکنشی ذهن و کردار در جوامع است.

امری که در مطالعه علوم سیاسی با رویکرد پدیدارشناسانه مهم است توجه هستی‌شناسانه و بینادذهنی به کنشگران سیاسی است. کنش‌ها چونان امری «فراکندنی» دربردارنده معنا هستند و محقق به تفسیر آن بر مبنای دنیای زندگی کنشگران، یعنی اشتراکات معنایی، تبادلات و ترجیحات آن‌ها می‌پردازد (همان). این پژوهش میان هرمنوتیک و پدیدارشناسی پیوند می‌زند؛ این نوشتار ضمن بهره‌گیری از پدیدارشناسی هوسرل و هرمنوتیک ریکور به انجام خواهد رسید. به گفته منوچهری «تفسیر همانا وضعیت اولیه فهم انسان از خود است و لذا پدیدارشناسی وجود، آنجا که کار تفسیر را معین می‌کند، هرمنوتیک به معنای اصیل این کلمه است» (همان: ۶۷). در پدیدارشناسی هوسرل انسان و پدیده ذهنی او قابل شناسایی است. نظریه «شناخت‌شناسی پدیدارشناسانه» ادmond هوسرل، تعلیق معنایی اصطلاحات همچون پدیدارهای دربردارنده تظاهرات شناخت‌شناسانه است (مبلغی، ۱۳۹۲:). هوسرل نظام معنایی و معرفتی ذهن را با «شناخت‌شناسی پدیدارشناسانه»^۱ شرح می‌دهد. (همان) این تعبیر با کاستن پدیدارشناسانه^۲ ممکن می‌گردد. در این میان منطق آگاهی با بهره‌گیری از پیش‌انگاشته‌ها از طریق تعلیق^۳ به واقعیت پدیدارشناختی^۴ بدل می‌گردد^۵ (Husserl, 1970: 152-153). این رخداد به پدیدار امکان‌آشکارگی می‌بخشد و خوانش و واکاوی آن را در دسترس قرار می‌دهد. در

1. phenomenological epistemology
2. phenomenological reduction
3. epoche
4. phenomenological reality
5. Edmund Husserl, The crisis of European sciences and transcendental phenomenology: an introduction to phenomenological philosophy (Evanston: Northwestern University Press, 1970), pp. 152-153.

این نوشتار ضمن بهره‌گیری از این روش‌شناسی کوشش نگارنده مطالعه قدرت غیبت ضمن آویختن به سه وجه روش‌شناسی پدیدارشناسی تعلیق، رها گردیدن از پیش فرض‌ها و عدم اتخاذ رویکرد عاطفی با موضوع است. کوشش نگارنده واکاوی ساختارهای آگاهی به مثابه تجربه زیسته، مجال دادن به امور برای آشکار گردیدن بر ما آن گونه که هستند (تلاش برای فهم هر چیزی آن گونه که هست)، تلاش نظام مند برای به دست دادن فهمی ژرف‌تر از ماهیت امور با محوریت بخشیدن به تجربه برخاسته از تاریخ متون و تلاش برای فهم موضوع منزله از پیش داوری‌ها، پیش‌انگاشت‌ها و پیش‌فرض‌ها است.

پدیدارشناسی به مثابه روش‌شناسی؛ روش‌شناسی پدیدارشناسی ذیل ملاحظه وجه تعلیقی آن امکان به کار بستن می‌یابد. آگاهی پدیدارشناسانه در پی تلاش نظام‌مند جهت تعلیق سه عرصه داوری‌ها، پیش‌انگاشت‌ها و احساسات مقدور می‌شود. علاوه بر این آگاهی پدیدارشناسانه در پی التفات و توجه به تجربه به دست می‌آید کوششی که در این نوشتار ذیل توجه به تجربه جمعی تشیع و مفهوم انتظار به انجام خواهد رسید. نگارنده می‌کوشد ضمن پایبندی به روش‌شناسی پدیدارشناسانه آگاهی و تجربه زیسته دیگری را بشناسد. این تلاش از راه خود را در جای دیگری نهادن و از منظر وی را دیدن و اندیشیدن ممکن می‌گردد. شناسایی وجه اشتراکی تجربه زیسته موضوع مورد پژوهش به ما برای ارتقاء آگاهی خود از سطح خرد (تجارب متنوع) به سطح کلان (تئوری) یاری می‌رساند. ما این تلاش را در مطالعه انتظار و قدرت نهفته آن در جامعه شیعه به مثابه رخدادهای تاریخی همیشه حاضری بر می‌رسیم و می‌کوشیم از نقش آن به مثابه قدرتی نهفته که در بزنگاه‌های تاریخی دست به ایفای نقش زده است پرده برداریم و این ایفای نقش و قدرت غیبت را به مثابه پدیداری اجتماعی مورد واکاوی قرار دهیم.

غیبت و امر اجتماعی

قدرت غیبت در جامعه نیروی نادیدنی است که به جامعه امکان کنش و تحرک می‌بخشد. نادیدنی بودن این قدرت دلیل بر نبودن آن نیست. ما از قدرتی سخن می‌گوییم که نه تنها در لحظه‌های تاریخی رخ نموده بلکه در آنات زندگی فردی مومنان حاضر و مؤثر بوده است. غیبت و متعاقب آن انتظار را باید انتقال متافیزیک به متن دانست؛ متافیزیکی که با غیبت معصوم آغاز می‌شود و در درازنای زمان متن متافیزیکال به مثابه ذهنیتی عمومی متبلور می‌گردد و دولتی آرمانی غایب را در صحنه سیاست و جامعه نمایندگی می‌نماید.

مطالعه جامعه به مثابه متنی متغیر در شناسایی نیروهای مؤثر بر آن سودمند است (Tomkins, 2018: 19). در این میان تفسیر نمادها و بازفهم خوانش‌های ایدئولوژیک می‌تواند ما را در دستیابی به معانی پنهان و آشکاری که وجود دارند و وجود ندارند یاری رساند (Tomkins, 2018: 20-21). فهم هرچیز با فقدان آن شیوه‌ای است که در نگرش‌های اجتماعی و مطالعات الهیات طرح شده است (شایگان، ۱۳۹۳: ۹۴). مطالعه و خوانش زیست اجتماعی از زاویه متن‌وارگی و حضور و غیبت عناصر آن نکته‌ای جالب توجه است (ریکور، ۱۳۹۴: ۱۲). در این اندیشه ناپیداها اهمیتی بسیار دارند و بر ذهن‌ها تأثیر گزارند. ناآشکارها در این شیوه فهم ما را بر آن می‌دارد که دست به مطالعه عوامل غایب بزنیم. (مور، همان: ۱۶۴) اتفاقی که ما را به سوی کشف معنا از دل واسطه‌ها پیش می‌برد (Ricoeur, 2007: Part I). یک جامعه محصول مشترک عوامل حاضر و غایب آن است. عناصر غایب جامعه علیرغم ناپیدایی واجد قدرتی نهان و ای بسا گاهی هویدا هستند که به ما امکان تفسیر و فهم آن را می‌بخشند (ریکور، ۱۳۸۶: ۶).

قدرت غیبت در جامعه می‌تواند ناشی از باوری ایدئولوژیک، تاریخی و سیاسی باشد اما این قدرت نزد شیعیان شأنی ایمانی و اعتقادی می‌یابد و به مثابه سرچشمه قدرت راستین و ناب آسمانی در گاه نیاز مورد ارجاع قرار

می‌گیرد. امید به اتفاق ناگهان ظهور نقطه پایانی تجلی قدرت آسمانی است که تخیل جمعی سیاسی را به خود مشغول داشته و همچون میراثی تاریخی ضمن ارجاع به عنصری ناپیدا و دور از دسترس در حال پرورش است. قدرت غیبت که در دل خود دولت انتظار را با خیل سربازان و پیروان آماده اش همراه دارد در عین حال که واجد وجه ایمانی و معرفتی است دارای وجوه هویتی و اجتماعی ذیل ایده‌های عدالت و داد و صلح و آرامش، به مثابه خواهش‌های همواره بشری، نیز می‌باشد.

باور و ایمان و قدرت غیبت

قدرت غیبت در اندیشه شیعی علاوه بر دارا بودن نقش تاریخی و اجتماعی و هویتی دارای وجه اعتقادی و ایمانی است در واقع این وجه را باید مهم ترین وجه آن دانست که به این قدرت جان می‌بخشد. غیبت در تاریخ تشیع در ازای کوشش فقهی بوسهل نوبختی و جهی ایمانی یافت (Amir Arjomand, 2016: 87). در تاریخ غیبت امام دوازدهم (ع) جدای از وجه ایمانی و جهی سیاسی یافت و جان پناه خاطران خسته‌ای شد که از بیداد روزگار به ستوه آمده بودند. فقه شیعه و رویکرد سیاسی آن با تکامل فقه در ادامه تلاش‌های شیخ طوسی در مسیر پرورش فقه در غیبت معصوم پررنگ‌تر شد (مک درموت، ۱۳۶۳: ۱۵). تلاش برای هرچه مستحکم‌تر و استوارتر ساختن منابع ارجاعی در فقه با تلاش‌هایی مانند عبور از خبر واحد که به دست ابن ادریس انجام گرفت پیش می‌رفت و در عین حال به شکاف بیشتر با فقه اهل سنت منجر می‌شد. این جریان دربردارنده تلاش‌های سیاسی نیز بود.

ایمان شیعیان به حضور همیشگی معصوم در زمین^۱ (النعمانی، ۱۴۲۲: ۱۴۰) منتهی به این گردید که شیعیان به عنوان گروه انقلابی و معترض امت در زمینه میراث سیاسی پیامبر (Hazleton, 2010) در دوران غیبت و عدم دسترسی به معصوم رویه‌های جالب توجهی را در پیش گرفتند که در گام نخست رو

۱. در این باره می‌توان به این روایت توجه نمود: «عن أبي جعفر الباقر (عليه السلام) أنه قال: لو أن الإمام رفع من الأرض ساعة لساخت بأهلها وماجت كما يموج البحر بأهله»

به سوی دروی هرچه بیشتر از خلافت سنیان داشت. عالمان شیعه از پذیرش حکومت شاهان به سوی همکاری با ایشان در دوران صفویه پیش رفتند و در دوره مدرن به سوی دفاع از حقوق مردم ذیل تاملات فقهی روی آوردند. این رویکردها را باید حضور متافیزیک غیبت در کنش سیاسی عالمانی دانست که از رکود کنش سیاسی در وفاداری به امام غایب به سوی کنش سیاسی روی آوردند. این اتفاق در باور به انتظار ظهور چندان دور از رویکرد پیشین نبود و همچون دیدگاه پیشین تنها حکومت مشروع را حکومت معصوم می‌دانست اما با ورود به سیاست امامان تحرک سیاسی از یک سوی و نیز ارائه خوانش هرچه سیاسی‌تر از غیبت و انتظار را در دسترس منتظران قرار می‌داد (کلینی، ۱۳۶۵، ج: ۱: ۳۴۲).

باور به آنچه که در برابر چشم و غایب از نظر است و با آمدنش سامان ایده آل برقرار خواهد گردید چیزی بود که نه تنها در دل‌های مومنان بلکه در جهان سیاسی ایشان نیز به وقوع پیوست و ویژگی مبارزه جویانه به انتظار فرج بخشید (البغدادی، ۱۹۸۵: ۱۶۰). انتظار ایمانی آن گاه وجه سیاسی بیشتری می‌یافت که سخن از دادگری و عدالت به مثابه دشواره همیشگی جامعه بیدادزده به میان می‌آمد و این گونه از خوانش به جریان غیبت امکان قدرت‌گیری از تک تک کسانی را می‌بخشید که از بیداد رنجیده بودند. این قدرت انباشت شده پنهان در بزنگاه‌هایی که می‌توانست معنایی مرتبط با امام غایب را تئوریزه نماید امکانی برای عملی شدن می‌یافت و برای بارها و بارها قدرت عالمان شیعه را به مثابه پناه مردمان و نماینده امام غایب به نمایش می‌نهاد.

غیبت در شیعه دوازده امامی وضعیتی ویژه را پدید آورد وضعیتی که نه در اسماعیلیه، که امامش غایب نشد، و نه در اهل سنت پدیدار نگشت. این

۱. برخی از شیعیان در عهد امامان (ع) شمشیری ویژه را جهت همراهی امام مهدی بر دیوار آویخته بودند و آماده آن بودند که هر زمان که ایشان ظهور نمایند به کمک بشتابند. «حدیثی محمد بن مظفر قال سمعت قاسم بن زکریا المطرز یقول وردت الکوفه و کتبت عن شیوخها کلهم غیر عباد بن یعقوب فلما فرغت ممن سواه دخلت علیه... و کان عباد مکفوا و رأیت فی داره سیفا معلقا و حنقه فقلت أیها الشیخ لمن هذا السیف فقال هذا لی أعددته لاقائل به مع المهدي...»

وضعیت شیعیان را با بحران‌هایی روبرو ساخت. غیبت با بحران دسترسی به امام به مثابه عنصر اصلی هویت بخش شیعیان همراه بود و هم از این روی در مکتب بغداد فقه شیعی به سوی قالب پذیری پیش رفت تا محافظ گفتمان امام در جهان فاقد این دسترسی باشد این گفتمان در حله و جیل عامل گسترش یافت. از دیگر سوی غیبت با خلأ قدرت همراه بود این خلأ قدرت که با فروپاشی عباسیان معنایی متفاوت نزد شیعیان یافت و به سوی انکشاف دولت‌های شیعی پیش رفت و در صفویه به استقرار نهایی رسید. سرانجام سخن این که فقه شیعه در عرصه تئوری و کنش با تحولاتی همراه بود و خود را برای دوره غیبت مهیا می‌نمود. اما این جهان متحول در تئوری و عمل و دانش و قدرت وجهی ثابت داشت و آن ایمان لایتغیر به امام غایب بود؛ امام همیشه حاضری که ظهورش در پس پرده نقصان ایمان پیروان در محاق مانده است. این عنصر بی تغییر را باید همان قدرت جاوید پنهان متکثر پراکنده‌ای دانست که نه تنها در آوردگاه‌ای سیاسی شیعیان رخ نموده است بلکه در تک تک لحظه‌های رنجش مومنانش نیز مورد ارجاع واقع گردیده و ملجأ آرامش بوده است. هم از این روی این نیرو را باید قدرتی دانست که همواره حاضر غایبی را به میدان می‌کشد که عنصر بی تغییر امید به منجی را در پس زمان و مکان نامعلوم جستجو می‌کند و نفس این جستجو قدرتی متحرک را پدیدار می‌سازد؛ قدرتی که علیرغم ارجاع به زمان و مکان ناپیدا حاضر و جاری و بالفعل است. در واقع تعلیق قدرت میان دوره ظهور و کنش منتظران در دوره غیبت به مثابه تحقق آن قدرت در قالب مومنان منتظر منتهی به شیوه‌ای ویژه از قدرت ورزی و نیز آشکارگی معنایی ویژه از قدرت گردیده است که همواره میان قدرت حداکثری قابل اعمال موعود و قدرت متجلی در جامعه باورمندان ایجاد فاصله می‌نماید و اقدام به کنش را نزد ایشان راهی به سوی دستیابی به لحظه موعود تعریف می‌کند.

این دسته از کنش‌ها در تاریخ شیعه در ازای حفظ دین و شریعت در دوره‌هایی مانند نهضت تنباکو و با رهبری عالمان شیعه رخ نموده است

(الگار، ۱۳۶۹: ۳۰۸). پیش‌انگاره کنش‌های سیاسی دینی این است که امام غایب به مردم معرفی شده است (مظفر، ۲۵۳۵: ۱۵۶) و همه او را می‌شناسند و در واقع ملجأ و پناه و امید همه مردمان یک فرد واحد است. وحدت ذهنیت در ارجاع امید به شخصی معین به تجمیع قدرت نهفته اجتماعی می‌انجامد و امیدی را برای آینده در دل آن‌ها زنده نگاه می‌دارد (مظفر، ۲۵۳۵: ۱۶۸). سرانجام سخن آن که نگاه موعودگرایانه را می‌توان به مثابه آخرین امکان تحقق آرمان شهر در بسیاری از ادیان و مذاهب سراغ گرفت، اما این باور در تشیع با توجه به ماهیت سیاسی این مذهب وجهی سیاسی می‌یابد و این وجه سیاسی نه تنها در لحظه ظهور که در دوره غیبت نیز خودنمایی می‌کند.

هویت و قدرت غیبت

قدرت غیبت را باید حافظ هویت شیعی دانست که به این گفتمان امکان محافظت هویتی و شخصیتی ویژه‌ای بخشیده و آن را به ظرفیتی برای زایش و پرورش هویتی متفاوت در دل تاریخ بدل ساخته است. هویتی که نه تنها در تاریخ بلکه در گستره جغرافیایی بیکران نیز پراکنده شده است و از وابستگی سرزمینی و جغرافیایی به دور است. انتظار فرج زنجیره پیونددهنده خیل منتظران مؤمنی است که در بستر فراخ جغرافیا و تاریخ با وفاداری به امام زمان هویتی یگانه را در درازنایی بیش از یک هزاره می‌سازند. انتظار دولت منتظر را باید ستون هویتی دانست که در شرایط عدم دسترسی به معصوم امکانی برای استمرار هویت شیعیان فراهم نمود. این انتظار به مثابه دولتی متافیزیکال در پس جامعه فیزیکی واجد ویژگی‌هایی جالب توجه بود که همچون دولتی در ذهن همواره حاضر بود؛ ویژگی‌هایی مانند حاکمیت الهی، اجرای قواعد آسمانی، عدال الهی و صلح جهانی.

این گونه از وابستگی و پیوستگی هویتی همواره پرسش از نحوه کنش در انجمنی را پیش روی قرار می‌دهد که علیرغم مجهز گردیدن به تجهیزات تنوریک فقهی طی تاریخ غیبت از دسترسی به سیاست ایده آل به دور مانده

است و بخت سیاسی خود را گاه به گاه و در ازای کمرنگ‌تر شدن خلافت سنیان آزموده است. این سبک تجربه نامداوم قدرت امیدی در دل برای آینده را در دل می‌کارد که ما آن را قدرت سیاسی غیبت می‌نامیم. این قدرت به انتظار همراه دعا برای فرج گره می‌خورد که به عنوان رفتاری الگو برداری شده از معصومان دنبال می‌شود^۱ (بروجردی، ۱۳۹۹ه ق، ج ۵: ۴۱۶).

قدرت امید به آینده نامعلومی که به‌رغم ایمان به آن و نیز در دسترس بودن ذهنی همواره آن در قامت انتظار حاضر و جاری در حال و اکنون قدرتی حاضر است. در واقع قدرت غیبت قدرت هرزمانی و هر مکانی است که با پتانسیل پویایی روانی و درونی جمع منتظران و مشتاقان را -حتی اگر گردهم نیامده باشند- بر گرد نیتی واحد متمرکز می‌نماید و به مثابه قدرتی در انتظار صدایی برای دادخواهی ایشان را مهیای اقدام می‌سازد. این قدرت در عین حال مؤمن به پیروزی پایانی است که مژده سپیده فرج و به پایان رسیدن انتظار را می‌دهد^۲ (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۸۳: ۶۲). قدرت غیبت به مثابه باوری در دل فرد اعضای جامعه اگرچه به شیوه‌ای آگاه یا ناخودآگاه و خواسته یا ناخواسته به ایشان امکان حرکت در راستایی واحد را می‌بخشد و در عین حال حرکتی تاریخی -کند یا تند- را با محوریت امید به دادخواهی موجب می‌گردد. این حرکت در دوره‌های مختلف منادیانی ویژه می‌یابد که با توجه به شرایط و پتانسیل جامعه ایفای نقش می‌کنند. انتظار هویتی یگانه را در درازنای زمان و گستره جغرافیایی جهانی تولید می‌نماید و در ازای آن امکان کنشی بر اساس این هویت را به باورمندان می‌بخشد.

دادگری

ما با غیبتی طولانی روبرویم غیبتی که حضوری همواره را در دل و ذهن و کنش جامعه به همراه داشته است. در واقع زمامدار دادگر غایب است و در عین حال

۱. «و أن تعجل فرج المنتقم لك من أعدائك»

۲. «...و أنجز لولیک و ابن نبیک الداعی إلیک بإذنک و أمینک فی خلقک و عنیک فی عبادک و حجتک علی خلقک علیه صلواتک و برکاتک و عده اللهم أیده بنصرک و انصر عبدک و قو أصحابه و صبرهم و افتح لهم من لَدُنْک سُلْطَاناً نَصِيراً و عجل فرجه و أمکنه من أعدائک و أعداء رسولک یا أرحم الراحمین- قلت ألیس قد دعوت لنفسک جعلت فداک قال دعوت لتور آل محمد و سانقهم و المنتقم بأمر الله من أعدائهم قلت متی یکون خروجه جعلنی الله فداک قال إذا شاء من لَه الخلق و الأمر...»

ذهن اعضای جامعه حضور و غیاب و قدرت آن را احساس می‌کند. این قدرت غایب در ذهن اعضای جامعه جاری است در ذهن همه کسانی که در انتظار موعود هستند قدرت غایب قدرت منجی است؛ قدرتی که تمام مصائب به او ارجاع داده میشه و قدرتی که همه باورمندان تلاش می‌کنند تا نشان دهند به کسی اتکا دارند که در برابر ستم‌هایی که بر آنها روا داشته می‌شود به او مراجعه می‌کنند. بر اساس این باور جهانی که پر از ستم و جور است با آمدن او سرشار از داد و صلح می‌گردد (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۱۲: ۱۹۵-۱۹۶).
منتظران چه آشکار و چه پنهان و چه به زبان و چه در دل چه به نجوا و چه به بانگ بلند می‌گویند که امید و مامن و پناه و مرجع آنان فرد غایبی است که ایشان همه ستم‌ها و دادخواهی‌ها را بر او احاله می‌دهند. اگرچه اکنون به ظاهر او را نمی‌بینند اما اکنون نیز هم او ملجایی است که شکایتشان را به او می‌برند و نقطه اوج امید ایشان است. او خواهد آمد و در برابر ستم خواهد ایستاد (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۳).
در باور مومنان آمدن او امری حتمی است (سید بن طاووس، ۱۳۸۰: ۱۵۴). او تجمیع شده تمام خواسته‌ها، ناله‌ها، دادها و شیون‌هایی است که هر مؤمن در درازنای زمان به خاطر همه ستم‌های انباشته‌ای که بر او رفته است به حضرتش احاله و ارجاع داده است. ذهنیت مؤمن دادخواهی را به موقعیتی بی‌زمان احاله می‌دهد و جهانی سرشار از داد را در ازای زیستنی ناشایست پیش بینی می‌کند و آن را راه‌چاره تحمل بیدادها و مصائبی می‌داند که بر او می‌رود.

قدرت غیبت قدرت در سایه جماعتی است که در پس ذهنیت جامعه پرورده است. قدرت غیبت با دولت انتظار تکمیل می‌گردد؛ دولت انتظاری که همه منتظرند تا برپا و تأسیس گردد دولت انتظاری که قرار است ستم را از میان بردارد (مطهری، همان). دولت انتظار دولت عدالت و صلح است. قدرت غایب در ازای کنش‌های قدرت حاضر معنا پیدا می‌کند قدرت حاضر با انجام کنش‌هایی که نارضایتی اعضای جامعه را به دنبال داره به هر چه فربه‌تر شدن قدرت غایب کمک می‌کند. قدرت غایب در ازای ناکامی‌ها و دست نیافتن‌ها و نرسیدن‌ها و ستم‌ها در ذهن اعضای جامعه شکل می‌گیرد و قوی‌تر، تواناتر و پررنگ‌تر

می‌شود. بنابراین ما با یک قدرت جدید روبرو هستیم قدرتی که ظاهر نیست اما در حقیقت وجود دارد و بسیار پویاست و هر لحظه بر میزان نیروی آن افزوده می‌گردد؛ این قدرت ایده آل هاست.

تعیین قدرت در دوره‌ای که جامعه به این نتیجه برسد که ستم‌هایی که بر او روا شده فراتر از تاب و توان او است. در این شرایط یک منجی می‌تواند صدای قدرت غایب باشد. صدای قدرت غایب به مثابه نوای دادخواهی انباشت شده پتانسیل انجام تغییر در جامعه را دارد این تغییر می‌تواند اصلاح، انقلاب و یا تغییرات بنیادین دیگر باشد. اما آنچه که ما می‌خواهیم به آن پردازیم چیستی قدرت غایب در شیعه و دولت انتظار است ذهیت این مفاهیم در شیعه منتهی به شکل‌گیری ایده‌های بخشی شده؛ رهایی بخشی که بیش از هزار سال به دینامیسم پویایی و تحرک یک جامعه بزرگ انجامیده است. جامعه بزرگی که علیرغم پراکندگی و حتی تنوع چشم انتظار آمدن یک منجی است که در واقع طی همه این سالیان سال تجمیع گردیده قدرت درونی شده تک تک انسان‌های جامعه است. دولت غایب در گستره جهانی عمل می‌کند و منتظران نیز چشم به راه زمامداری در قواره جهانی اند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۰: ۵۸). منتظرانی که وارثان زمین اند و جهان در ازای آمدن موعود در بهترین حالتش قرار خواهد گرفت^۱ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۳۰۶).

مطالعه نحوه پدیداری انتظار در کنش و ذهنیت مومنان پرده از منطق عمل یک جامعه بزرگ بر می‌دارد و همچنین پویایی و تحرک جامعه‌ای را نشان می‌دهد که ذیل ایده انتظار تشکیل دولتی آرمانی را انتظار میکشد؛ دولتی که اکنون در ذهن و تخیل تک تک اعضایش تشکیل شده است. عدالت مفهوم مرکزی این تک دولت‌های ذهنی است و در نهایت کوشش جمعی و تاریخی آنها ساختن ایده آل جهانی آن است. در این میان ناکامی‌های تاریخی به تجمیع توقع‌ها مدد می‌رساند. باید خاطر نشان نمود که الهیات انتظار در بردارنده نوعی تعلیقی بی‌زمانی است که آرمان و ایده آل منتظر را به زمانی دور از دسترس اما سرشار از امید حواله می‌دهد.

۱. «عن ابی‌الصباح الکنانی قال: نظر ابو جعفر (ع) الی ابی‌عبدالله (ع) یمشی فقال: تری هذا؟ هذا من الذین قال الله عز و جل: "و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین»

پدیدار سیاسی انتظار

همچنان که گفته شد برابر نهاد دولت غایب مفهوم عدالت و دادخواهی در ذهنیت تک‌تک افراد جامعه است که به آینده‌ای با حضور معصوم (ع) ارجاع داده می‌شود. نکته دیگر حضور مداوم و پویای قدرت غیبت به مثابه یک قدرت تاریخی در ذهنیت تک‌تک افراد جامعه است که نه تنها حاضر بلکه زنده و پویا و اکتونی و این زمانی است و در نهانگاه ذهنی جامعه به روز می‌شود و ستم کاری‌ها را به مثابه انباشتی فراموش نشدنی به خود احاله می‌نماید. نکته سوم از این قرار است که دولت انتظار به مثابه تک دولت برپا شده در خیال تک‌تک اعضای جامعه و نیز آرمان بیرونی اندیشه به عنوان دولت جهانی صلح در نظر گرفته شده است (مظفر، ۲۵۳۵: ۲۱۸).

این دولت ایده آل تنها برای مومنان و شیعیان برپا و برقرار نخواهد شد بلکه گستره‌ای جهانی را به خود اختصاص خواهد داد (اشتهدادی، ۱۳۸۰: ۱۶۴).

به لحاظ تاریخی در دوره حضور معصومان امامت از مبارزه گرایشی به آرمان‌گرایی تغییر وضعیت داد (مبلغی، ۱۳۹۸: ۳۱۸). از دیگر سوی در ازای پیدایش پدیدارهای ذهنی و برداشت‌ها و تفسیرهای برخاسته از انتظار و غیبت و قدرت اجتماعی آن ما شاهد مابه‌ازای بیرونی این اندیشه نیز هستیم؛ پدیدار بیرونی این اندیشه منطقه فراخی است که به شیعیان امکان مشروعیت بخشی به حاکمیت‌ها را در فقدان حکومت معصوم می‌بخشد و از آن روی که تنها حکومت آرمانی مشروع با حضور معصوم ممکن می‌گردد در فقدان او با بسامد متغیری از گونه‌های حکومت شاهد مشروعیت بخشی به حکومت‌های متنوعی مانند پادشاهی، سلطنت، جمهوریت، مشروطیت و اسلامی هستیم. در عین حال هیچ یک از این حکومت‌ها مشروعیت نهایی و طلایی اندیشه انتظار را از آن خود نکرده‌اند. در واقع این ویژگی الهیات انتظار، یعنی احاله امر سیاسی به آینده نامعلوم، منتهی به پذیرش تنوع سیاست ورزی در شرایط فقدان ایده آل مطلوب می‌گردد.

این نوع رویکرد نقطه مقابل خلافت‌گرایی اهل سنت است که با تکیه بر تجربه عملی خلافت امکان برپایی دوباره آن را در سر می‌پروراند و به

مثابه تجربه زمینی موفق از آن یاد می‌کند که مبنای بازگشت گرایی بنیادگرایی سیاسی سنیان است و در عین حال دارای مولفه‌های آزموده‌ای است که اهل سنت می‌توانند آن‌ها را به عنوان الگوی سیاسی مد نظر قرار دهند. چه بسا تجربه‌های تاریخی از این دست فراخنای کنش سیاسی و فقهی را هرچه تنگ‌تر می‌سازد. در واقع احاله امر سیاسی به دوره ظهور و ایده آل حضور معصوم (ع) امکان فراخی از پذیرش سیاسی را پیش روی جهان مؤمنانه منتظران می‌گشاید که در شرایط مثبت و با نگاه خوش بینانه با انتظار ظهور و افزودن به خیرات و خوبی‌ها و نیکی‌ها و در شرایط منفی با انتظار برای ظهور و شکایت و جبران رهایی از ستم قابل تحمل است.

جامعه آرمانی مصلح

ظهور امیدی همیشگی است که امکان مدارا و پذیرش و سازگاری را در نهاد جامعه می‌دمد. امید به روزهای روشنی که همه مصائب تاریخی رخت بر خواهند بست و جهانی نو در ظرف دنیای ما فرود خواهد آمد انرژی و معنایی بی‌مکان و بی‌زمان از حضور را در ذهنیت جامعه ایجاد می‌کند؛ اذهان گونه‌ای جامعه آرمانی ذهنی موازی را با خود حمل می‌کنند. این جامعه آرمانی ذهنی پس از ظهور امکان عملی شدن می‌یابد و در ظرف زمین قد بر می‌افرازد. جهان ذهنی آرمانی با وعده عدل به مثابه یکی از مهم‌ترین اصول شیعی جامعه‌ای را به تصویر می‌کشد با آمدن صاحبش نه تنها عادلانه است (مجلسی؛ ۱۳۶۳، ج ۵۱، ص ۷۸) و عدالت را از پس تاریخی کهن به ارمغان می‌آورد بلکه بستر و زمینه رسیدن به سعادت و نیکبختی فردی و جمعی نیز می‌باشد.

رسیدن به سعادت همواره در اندیشه سیاسی مسلمانان برترین هدف زندگی مردمان دانسته شده است و دستیابی به آن در زندگی موضوع پرسش‌ها و پاسخ‌های بسیاری بوده است. نکته آن جا است که به تعویق افتادن زیست شایسته در ازای غیبت امام رخ داده است و پیروان آمیزه‌ای از نیایش و دعا و انتظار و مبارزه

را در نبود او تکرار می کنند و برای ظهور و جهان مطلوب دعا می خوانند^۱ (الشیخ الکلینی، ۱۳۶۵، ج ۴: ۱۶۲). شرایطی که تحت لوای آن رضایت از همه نارضیتی های زیسته به دست می آید و همه جانداران و همه انسان ها در صلح و دوستی در کنار هم روزگار می گذرانند (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۵۲: ۳۱۶، ح ۱۱). پرسش اینجاست که این جامعه ذهنی موازی حاضر تا چه اندازه ای توانسته در جهان منتظران محقق گردد و آیا تلاشی برای بازسازی آن انجام گرفته یا خیر؟ بی گمان تحقق آن منوط به ظهور است و جامعه آرمانی منتظر به مثابه امری ایمانی استعداد استعلا دارد و از دیگر سوی این آرزوی عمومی در ذهن هر یک از اعضای جامعه واجد وجهی شخصی می گردد که آن را در ارتباط با عدالت و دادخواهی فردی به مثابه پناهی از ستم های همواره معنا می نماید (اربلی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۶۵). قائم (عج) جهانی را که پر از ستم شده است سرشار از عدل خواهد ساخت (صدوق، ۱۳۸۸، ج ۲: ۳۷۷). دادخواهی همگانی از جمله مولفه های همواره حاضر دولت انتظار است که در دوره ظهور به شکل عملی و در دوره غیبت به شکل ذهنی، اعتقادی و اعتراضی انجام می گیرد. در این جامعه آرمانی که هرچیز در جای خود قرار می گیرد شرایط برای دستیابی به سعادت به مثابه غایت القصوای اندیشه دینی آماده می گردد و همه در مسیر رستگاری جاوید به پیش می روند (طبسی، ۱۳۸۰: ۱۷۷). رحمت و رضایت خداوند به مثابه نقطه نهایی آرمان مؤمنانه شامل حال همگان می گردد (کلینی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۲۵). جهانی تهی از رنج و سختی و سرشار از ایمان و امن و عدل انتظار همگان را می کشد (نعمانی، ۱۳۹۱: ۶۶۷) و (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۵۲: ۳۱۶، ح ۱۱) و (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۶۵۰).

۱. ادعیه بسیاری در این باره وجود دارد از جمله می توان به این دعای معروف اشاره نمود: «محمد بن عیسی یاسناده عن الصالحین (علیه السلام) قال: تکرر فی لیلۃ ثلاث وعشرین من شهر رمضان هذا الدعاء ساجدا وقائما وقاعدا وعلی کل حال و فی الشهر کله و کیف أمکنک ومتی حضرک من دهرک تقول بعد تحمید الله تبارک وتعالی والصلاة علی النبی (صلی الله علیه وآله): "اللهم کن لولیک فلان بن فلان فی هذه الساعة، و فی کل ساعة ولیا وحافظا وناصر ا و دلیلا وقائدا وعونا (وعینا) حتی تستکنه أرضک طوعا وتمتعه فیها طویلا»

نتیجه‌گیری و مرور مباحث

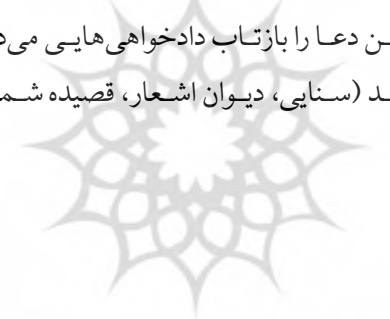
دولت انتظار دولت آه‌ها و ناله‌ها و آرزوهاست. دولت جبران‌کننده ستم‌های رسیده و ناکامی‌ها و آرزوهای نرسیده. این دولت جاری غایب در دل تک تک مومنان می‌تپد و نجوای جهانی ایده آل را می‌نوازد. نوشتار کوشیده است به این مهم پردازد که مفهوم الهیاتی انتظار در بستر سیاسی به یک جامعه چه قابلیت می‌بخشد و سرانجام چه منطق عملی در دسترس این جامعه قرار می‌دهد و اینکه چه امکان‌هایی را به قدرت‌های منتشر در دل این جامعه می‌بخشد و کدامین منش و کنش دادخواهانه و سیاسی را نزد ایشان باز تولید می‌نماید. بر اساس فرازهای این نوشتار ایده انتظار شیعی لزوماً راه به انفعال نمی‌برد و تجمیع قدرت غیبت به خودی خود دهلیز نقش‌آفرینی قدرت در شرایط زمانی متفاوت می‌گردد. همچنان که آمد دولت انتظار مفهومی در حال شدن است که طی فرایند تکاملی خود در میانه انفعال و فعلیت به سوی فعلیت پیش رفته است.

این فعلیت و کارگر افتادن ایده در چارچوب کنش‌گاه در بافتار متون فقهی و نظریه‌های سیاسی، گاه در مجال سیاست‌ورزی و زمانی در بستر کنش اجتماعی و در چارچوب‌های مدارا تا مبارزه به منصفه ظهور رسیده است. تاکید بر آرمان‌های سیاسی دولت موعود را باید محمل پیش رفتن به سوی ظهور و عملیاتی‌تر گردیدن دولت ایده‌آل دانست. این نوع خوانش و تفسیر در برابر دیدگاه تعطیل و به مثابه رویکردی فعال و متأخر از اندیشه شیعی قابل شناسایی است. نکته فرجامین این‌که وجه ایدئولوژیک غیبت به عبور از رخوت و میل به تحرک سیاسی می‌انجامد که با لحاظ نمودن شرایط جامعه شیعی در متون فقهی و دیدگاه‌های عالمان هر دوره بروز و ظهوری متفاوت می‌یابد.

این نوشتار در بخش‌های پیش در آمد، روش‌شناسی پدیدار شناسی، غیبت و امر اجتماعی، باور و ایمان و قدرت غیبت، هویت و قدرت غیبت، دادگری، پدیدار سیاسی انتظار و جامعه آرمانی مصلح دست به مطالعه پیامدهای سیاسی و اجتماعی مفهوم همواره حاضر انتظار در الهیات سیاسی شیعه زده است. این مهم با توجه به مفهوم مرکزی غیبت و قدرت نهان آن در نهاد جامعه به نگارش

رسیده است. نوشتار از چشم‌انداز مطالعه پدیدارشناسانه ذهنیت اعضای جامعه می‌آغازد و پیامدهای بیرونی انتظار را در جهان سیاسی می‌کاود. دولت انتظار که متضمن آرمان‌گرایی بی‌زمان است ضمن پروردن ایده‌آل عدالت و دادگری فرخ‌نای گسترده‌ای را برای عمل سیاسی می‌گشاید و به کنش سیاسی جایگزین، در شرایط فقدان معصوم، امکان مانور می‌بخشد.

در واقع آرمان دولت انتظار به جهان آینده‌ای نامعلوم محول می‌گردد که در عین غایب بودن در ذهنیت و داوری تک‌تک مومنان حاضر و ناظر است. قدرت ناشی از غیبت در ذهن تک‌تک اعضای جامعه حضور دارد. دولت انتظار نیز در خیال تک‌تک اعضای جامعه برپا شده است. منجی تجمیع همه این قدرت‌ها است. او برآورده‌کننده عدالت خواهی‌های خفته است؛ آن‌جا که سنایی غزنوی (۴۵۹-۵۱۰ هجری خورشیدی) می‌سراید «... ای مهدی درآز آسمان» این دعا را بازتاب دادخواهی‌هایی می‌داند که بر اساس باور محقق خواهد شد (سنایی، دیوان اشعار، قصیده شماره ۷۱).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

الف) فارسی

- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی (۱۳۸۲)، کشف الغمه، با ترجمه و شرح علی بن حسین زواری، نشر اسلامیه، قم.
- اشتهاردی، محمد مهدی (۱۳۸۰)، حضرت مهدی فروغ تابان ولایت، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم.
- الگار حامد (۱۳۶۹)، دین و دولت در ایران، ترجمه ابولقاسم سری، انتشارات توس، تهران.
- اقبال آشتیانی عباس (۱۳۴۵)، خاندان نوبختی، طهوری، تهران.
- بحرانی، سید هاشم (۱۳۸۹)، البرهان، ترجمه رضا ناظمیان، صادق خورش، علی گنجیان، نشر کتاب صبح، قم.
- البغدادی الخطیب (۱۹۸۵)، الکفایه فی علم الروایه، تحقیق: احمد عمر هاشم، دار الکتاب العربی، بیروت.
- ریکور پل (۱۳۹۴)، استعاره و پارادایم‌های ترجمه، جعفریان فائزه، دهقانی حسام، پارساخانه مهرداد، نشر شوند، چاپ اول، تهران.
- سنایی، ابوالمجد محدود بن آدم (۴۷۳-۵۴۵ قمری) (۱۳۹۸)، دیوان اشعار، نگاه، تهران.
- سیدین طاووس رضی الدین علی بن موسی (۱۳۸۰)، الملاحم و الفتن، ترجمه محمد جواد نجفی، کتابفروشی اسلامیه، قم.
- شایگان، داریوش (۱۳۹۳)، زیر آسمان‌های جهان: مصاحبه رامین جهاننگلو با داریوش شایگان، ترجمه عظیم، نازی، انتشارات فرزانه روز چاپ هفتم، تهران.
- صافی گلپایگانی، آیت الله لطف الله (۱۳۹۰)، تلخیص و ترجمه منتخب الاثر، تلخیص و ترجمه لطیف راشدی - سعید راشدی. چ اول. قم: مسجد مقدس جمکران، قم.
- صدوق، ابن بابویه قمی (۱۳۸۸)، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه منصور پهلوان. ۲. چ پنجم/ششم، مسجد مقدس جمکران، قم.
- طبسی، نجم الدین (۱۳۸۰)، چشم اندازی به حکومت مهدی (عج)، چاپ سوم، بوستان کتاب، قم.
- طباطبایی بروجردی، آیت الله حسین (۱۳۹۹ ه ق)، جامع احادیث الشیعه، المطبعة العلمیة، قم.
- کلینی، جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۹۴)، اصول کافی، ترجمه سید علی مرتضوی، نشر سرور، قم.

- الکلینی، الشیخ جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۶۵)، اصول کافی، ج ۴، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- مبلغی، عبدالمجید (۱۳۹۳)، معرفت‌شناسی پدیدارشناسانه اصطلاحات علوم سیاسی و کارکرد آن در اصطلاح‌شناسی مطالعات دینی، مجله سیاست متعالیه، دوره ۲، شماره ۵، تابستان ۱۳۹۳، قم.
- مبلغی، عبدالمجید (۱۳۹۸)، سیر تطور هویت یابی شیعیان، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
- مظفر محمد حسین (۲۵۳۵)، امامت از دیدگاه تشیع، ترجمه محمد رهبر، موسسه چاپ و انتشارات عبدالرحیم علمی، تهران.
- مک درموت مارتین (۱۳۶۳)، اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ترجمه احمد آرام، انتشارات مک گیل و دانشگاه تهران.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۳)، بحارالانوار، ترجمه ابوالحسن موسوی اصفهانی، نشر کتابخانه مسجد حضرت ولی عصر (عج) تهران، ۱۳۶۳.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰)، قیام و انقلاب مهدی (ع)، چاپ ۴۲، نشر صدرا، قم.
- منوچهری، عباس (۱۳۸۷)، رهیافت و روش در علوم سیاسی، سمت، تهران.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۱)، غیبت نعمانی، نشر مسجد مقدس جمکران، قم.
- النعمانی، ابن ابی زینب (۱۴۲۲)، الغیبه، تحقیق فارس حسون کریم، انوار الهدی، قم.

ب) انگلیسی

Amir Arjomand Saïd (2016), *Sociology of Shi'ite Islam: Collected Essays*, BRILL, Leiden.

Edmund Husserl (1970), *The crisis of European sciences and transcendental phenomenology: an introduction to phenomenological philosophy*, Northwestern University Press, Evanston.

Hazleton Lesley (2010), *After the Prophet: The Epic Story of the Shia-Sunni Split in Islam*, Anchor Books, New York City.

Tomkins Leah and Eatough Virginia (2018), *Hermeneutics: interpretation, understanding and sense-making Chapter*, The Open University (UK).

Ricoeur, Paul (1913-2005) (2007), *From Text to Action: Essays in Hermeneutics II*, trans. Kathleen Blamey and John B. Thompson. 2nd Edition: with new Forward by Richard Kearney, Northwestern University Press, Evanston.